

حیات برزخی از دیدگاه آیات و روایات

* مرضیه خزعلی

** سید مرتضی موسوی گرمارودی

چکیده

چگونگی حیات برزخی و مراحل پس از آن از جمله مسائلی است که همواره ذهن انسان را به خود مشغول ساخته است. برخی از آیات قرآن نظیر: مومنون / ۱۰۱ - ۱۰۰؛ آل عمران / ۱۷۰ - ۱۶۹؛ پس / ۲۷ - ۲۶؛ مومن / ۱۱ و ۴۶؛ منافقون / ۱۰؛ نحل / ۳۲؛ به روشنی بیانگر وجود عالم برزخ و ویژگی‌های آن است، چنان‌که حیات جاویدان شهیدان راه خدا و پادشاه‌های آنان گواه روشنی بر عالم برزخ و نعمت‌های برزخی است. همچنین روایات فراوانی - که در برخی از آنها ادعای تواتر شده است - درباره عالم برزخ و کیفیت زندگی در آن و گزارش‌های مربوط به احوال اولیای الهی و انسان‌های متقی و گنهکار و میزان و کیفیت رابطه آنها با دنیا و مراحل عالم برزخ، در منابع فریقین آمده است.

واژگان کلیدی

عالم برزخ، حیات برزخی، نعمت‌های برزخی، عذاب برزخی، شفاعت در برزخ.

*. مربی دانشگاه الزهراء^ع و دانشجوی دکتری قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

mkh3795@gmail.com

mgarmaroodi@yahoo.com

**. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۱۵

طرح مسئله

حیات برزخی یا جهان پس از مرگ و مراحل مختلف آن از مهم‌ترین آموزه‌های دینی است که بدون راهنمایی وحی مسائل آن برای انسان غیرقابل دسترسی است و اندیشه انسان به بسیاری از مسائل آن راه ندارد، از این رو حیات پس از مرگ از مشکل‌ترین مسائل بشری در طول تاریخ است و بشر از دیرزمان تلاش کرده تا سرنوشت پس از مرگ خویش را دریابد و پاسخی روشن به حس کنجکاوی خود از فرجام کار جهان بدهد و همواره این سؤال مطرح بوده است که آیا با مرگ شعله زندگی انسان برای همیشه خاموش می‌شود و یا با مرگ حیات دیگری که باشکوه‌تر از حیات دنیوی است، آغاز می‌گردد؟

فیلسوفان و متفکران غیردینی در این باره پاسخ قانع‌کننده‌ای به انسان نداده‌اند؛ چراکه فکر آنها از عالم ماده فراتر نمی‌رود و راهی به جهان پس از مرگ ندارد. اما فیلسوفان الهی به کمک وحی بهترین پاسخ را به پرسش‌های انسان‌ها داده‌اند که وجدان، عقل و منطق آن را تأیید می‌کند. از دیدگاه دین مرگ پایان زندگی بشر نیست بلکه آغاز مهم‌ترین حوادث و رویدادهاست که نخستین مرحله آن، زندگی برزخی است.

مفهوم‌شناسی برزخ

برزخ از نظر لغوی به معنای حائل و فاصله میان دو چیز است و به هر آنچه که میان دو چیز یا دو مرحله قرار گیرد، برزخ گویند. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱ / ذیل مدخل برزخ) و در اصطلاح مفسران و متکلمان عمدتاً به معنای فاصله میان دنیا و آخرت به کار می‌رود. (طوسی، ۱۳۸۳: ۴ / ۳۹۴)

واژه برزخ در قرآن مجید سه بار به کار رفته است. مقصود از برزخ در دو آیه همان معنای لغوی است؛ یکی در آیه شریفه: «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ»، (الرحمن / ۲۰) و دیگر در آیه شریفه «وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا»؛ (فرقان / ۵۳) در این دو آیه برزخ به معنای «حاجب و حائل» است که در دریا بین آب شیرین و شور قرار دارد و از مخلوط شدن آن دو جلوگیری می‌کند.

اما برزخ در آیه «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ

كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (مؤمنون / ۱۰۰ - ۹۹) به معنای جهان غیبی و به عنوان یکی از منازل و مراحل پس از مرگ به کار رفته است. براساس این آیه شریفه و روایات بسیار که واژه برزخ در آن استعمال شده است، به جهان پس از مرگ تا برپایی روز قیامت «جهان برزخ» می گویند.

برزخ در آیات

افزون بر آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمنون، آیات متعددی وجود دارد که به صراحت یا اشاره از عالم برزخ سخن به میان آورده است. در اینجا به ذکر چند آیه که برخی بیانگر پاداش صالحان در عالم برزخ، و برخی بازگوکننده عذاب صالحان در این عالم است، می پردازیم:

الف) آیات ۱۶۹ و ۱۷۰ سوره آل عمران:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ * فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

ای پیامبر هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شدند مرده اند، بلکه زنده هستند و در نزد پروردگارشان روزی داده می شوند آنها به آنچه خداوند از فضل خود داده است، خشنودند و نسبت به کسانی که به آنها ملحق نشده اند نیز بشارت می دهند که هیچ ترس و اندوهی بر آنها نیست.

در این آیه به نعمت ها و الطاف خداوند نسبت به شهدا و خشنودی و شادمانی آنان از الطاف الهی و به زندگی به دور از اندوه آنان در عالم پس از مرگ اشاره شده است. (نظیر این آیه، در سوره بقره آیه ۱۵۴ است)

ب) آیات ۲۶ و ۲۷ سوره یس:

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ * بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ.

(مؤمن آل فرعون حبیب نجار، وقتی که به دست ستمگران به شهادت رسید) از

طرف خداوند به او گفته شد وارد بهشت شو، او گفت: ای کاش قوم من می دانستند که پروردگار مرا آمرزیده و از گرامی داشتن قرار داده است.

(ج) آیات ۴۶ و ۴۷ سوره مؤمن:

وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ * النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ.

به فرعونیان عذاب سخت نازل گردید، همان آتش که هر صبح و شام بر آن عرضه می شوند، و روزی که قیامت برپا می گردد دستور داده می شود، آل فرعون را در سخت ترین عذاب ها وارد کنید.

این آیه از دو جهت دلیل بر حیات برزخی است:

یک) اینکه در این آیه از آتشی سخن به میان آمده که هر صبح و شام بر آل فرعون عرضه می شود و این همان عذاب برزخی است چراکه وجود صبح و شام از ویژگی های عالم دنیوی و برزخی است و در عالم قیامت چنین چیزی وجود ندارد.

دو) دیگر اینکه این آیه از وجود عذاب قیامت خبر داده است و اینکه آل فرعون به شدیدترین عذاب گرفتار خواهند شد.

(د) آیه ۱۱ سوره مؤمن:

قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَتُنَبِّئُنا وَأُحْيِيَتُنَا أَتُنَبِّئُنا فَاَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ.

آنها می گویند خدایا ما را دوبار میراندی و دوبار زنده کردی، هم اکنون به گناهان خود اعتراف داریم آیا راهی برای خروج از (دوزخ) وجود دارد؟

این آیه گفتار کافران در قیامت است، روشن است که تصور دوبار مرگ و دوبار حیات بدون تصور وجود عالم برزخ بی معناست. این دوبار مردن و دوبار زنده شدن بدین صورت است: مردن در دنیا، زنده شدن در برزخ، مردن در برزخ و زنده شدن در قیامت.

این آیات هر کدام به گونه ای از قرار گرفتن انسان پس از مرگ در عالمی دیگر حکایت می کند که در آنجا از نعمت و عذاب الهی برخوردار است و این نشان از حیات و زندگی در آن عالم دارد.

(ه) آیه ۱۰ سوره منافقون:

وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا
أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ.

از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، قبل از آن که مرگ یکی از شما فرا
رسد و بگوید: پروردگارا چرا مرا مدت کمی به تأخیر نینداختی تا صدقه
دهم و انفاق کنم و از صالحان باشم.

این آیه نیز به این نکته اشاره دارد که عالم برزخ، عالمی پس از مرگ و پیش از قیامت
است که گنهکاران در آن درخواست و آرزوی بازگشت و جبران کاستی‌ها در دین می‌کنند اما
به آنها پاسخ داده می‌شود که هیچ بازگشتی در کار نیست. (نیز بنگرید به: مؤمنون / ۱۰۰)
افزون بر این در آیات متعددی از قرآن از مرگ، تعبیر به «توفی» (قبض و دریافت روح، نه
مرگ) شده است مثلاً در آیه ۴۲ سوره زمر چنین آمده است: «اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْإِنْسَانَ حِينَ مَوْتِهِ...؛
خداوند، ارواح را هنگام مرگ، قبض و دریافت می‌کند».

این تعبیر نیز بیانگر زنده بودن روح انسان پس از مرگ جسم اوست. همچنین در آیه ۲۵
سوره نوح آمده است:

مِمَّا خَطَبْتَهُمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا.
سرانجام همه آنها (قوم گنهکار نوح عليه السلام) به‌خاطر گناهانشان غرق شدند و در
آتش دوزخ وارد شدند و جز خدا یاورانی برای خود نیافتند.

از این آیه استفاده می‌شود که قوم گنهکار نوح عليه السلام پس از غرق شدن، بلافاصله وارد آتش
دوزخ شده‌اند و از آنجاکه هنوز روز قیامت برپا نشده است مقصود از این دوزخ، همان دوزخ
عالم برزخ است.

(و) آیات حکایت‌گر گفت‌وشنود ملائکه و انسان‌ها:

از دیگر دلایل وجود عالم برزخ آیاتی است که بیانگر یک سلسله گفت و شنودها میان
ملائکه و انسان‌های نیکوکار و بدکار است در این آیات فرشتگان پس از این گفتگوها خطاب

به انسان‌های صالح و نیکوکار می‌گویند از نعمت‌های الهی بهره ببرید. از این‌رو آنها را در انتظار رسیدن قیامت نمی‌گذارند. دو آیه زیر می‌تواند شاهدی بر این گفتار باشد:

یک. آیه ۳۲ سوره نحل:

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ يَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.

کسانی که ملائکه آنها را درحالی که پاکیزه هستند تحویل می‌گیرند به آنان می‌گویند: درود بر شما همانا به موجب کردارهای شایسته خود داخل بهشت شوید.

با توجه به آیات دیگری در قرآن که بهشت و جهنم را برای قیامت می‌داند و ورود به آن پس از برپایی قیامت محقق خواهد شد، می‌توان فهمید که بهشت یاد شده در آیه فوق بهشت برزخی است که انسان‌های پاک و نالوده به محض مردن به آن وارد می‌شوند و از نعمت‌های بی‌کران آن بهره می‌برند.

دو. آیات ۲۶ و ۲۷ سوره یس:

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ * يَمَّا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ.

پس از مرگ به او گفته شد داخل بهشت شو و او گفت ای کاش قوم من (که سخن مرا نشنیدند) اکنون می‌دانستند که چگونه پروردگارم مرا آمرزید و مرا از گرامی داشتگان قرار داد.

همان‌طور که قبلاً گذشت این آیه سخن مؤمن آل‌فرعون است که پس از مرگ آرزو می‌کند که کاش قوم او بودند و جایگاهش را می‌دیدند. با دقت در این آیه درمی‌یابیم که این آرزو فقط با حیات برزخی سازگار است که قوم او هنوز در این دنیا بودند و وی به جهان دیگر منتقل شده است و در این صورت است که آرزوی حضور آنان و دیدن نعمت‌های الهی نسبت به وی، معنی می‌یابد؛ زیرا در عالم قیامت همه انسان‌ها از اولین و آخرین جمع هستند و این درخواست و تمنا جایی ندارد.

از مجموع آیات یاد شده و برخی دیگر از آیات قرآنی چنین استنباط می‌شود که انسان با

مرگ نابود نمی‌شود، بلکه با مرگ، حیاتی تازه می‌یابد و به زندگی خود به‌گونه و در جهانی دیگر با شرایط خاص آن ادامه می‌دهد. قرآن نام آن را برزخ گذارده است.

برزخ در روایات

در منابع حدیثی شیعه و سنی احادیث فراوانی در ارتباط با عالم برزخ و کیفیت زندگی در آن آمده است. در این روایات گزارش‌های فراوان و گسترده‌ای درباره حیات برزخی و احوال مجرمان و متقیان ارائه شده است. برخی از بزرگان در این باره ادعای تواتر نموده‌اند. چنانکه خواجه نصیرالدین طوسی در زمینه عذاب قبر می‌نویسد: «و عذاب القبر واقع بالامکان و تواتر السمع بوقوعه». (طوسی، ۱۳۵۳: ۳۳۷) یعنی عذاب قبر واقعیت دارد؛ زیرا از نظر عقلی ممکن است و دلیلی بر محال بودن آن وجود ندارد و روایات متواتر فراوان نیز از وقوع آن خبر داده است. روایات مربوط به عالم برزخ بسیار است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. نخست به روایاتی در ذیل چند آیه قرآن می‌پردازیم که می‌تواند بیان‌کننده حالات مختلف و چگونگی زندگی در عالم برزخ باشد.

الف) روایات ذیل آیات

یک. آیه ۲۷ سوره ابراهیم

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ.

خداوند کسانی را که ایمان آوردند به خاطر اعتقاد و گفتار ثابتشان، هم در دنیا و هم در آخرت ثابت قدم می‌دارد.

در روایات متعدد آمده: منظور آیه، ثابت قدم بودن مؤمن در عالم برزخ است. علامه طبرسی در تفسیر مجمع البیان می‌گوید:

اکثر مفسرین متفق‌اند: منظور از آخرت در آیه فوق، عالم قبر است و آیه در مورد سؤال قبر نازل شده است و این تفسیر از ابن عباس و ابن مسعود نیز نقل شده، و از امامان معصوم روایت گردیده است؛ از جمله امیرمؤمنان علی (ع) در ضمن گفتاری فرمود: هنگامی که دو فرشته نکیر و منکر وارد قبر می‌شوند، از

مؤمن می‌پرسند: خدا، دین و پیغمبرت کیست؟ او در پاسخ گوید: خداوند پروردگار من است و اسلام دین من و محمد ﷺ پیامبر من است. آن دو فرشته به او می‌گویند: «خداوند تو را در آنچه خشنود است ثابت قدم بدارد»، این است قول خداوند: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا...». آنگاه دری از بهشت به روی قبر او گشوده می‌شود. (طبرسی، ۱۴۰۸: ۶ / ۳۱۴)

دو. آیه ۱۲۴ سوره طه:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى.
و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی تنگ (و پر زحمت) خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا محسوس می‌کنیم.
براساس برخی از روایات، این زندگی سخت، مربوط به عالم برزخ است. محمدباقر مجلسی روایتی از امام سجاده ﷺ نقل می‌کند که فرمود: «این زندگی سخت، در عالم برزخ است». آنگاه می‌گوید:

مراد از «معیشة ضنک» (زندگی تنگ و سخت) در آیه فوق، عذاب قبر است و مؤید این معنی آن است که قیامت را در آیه، بعد از آن ذکر نموده است و بسیاری از مفسران این گونه تفسیر کرده‌اند، و نمی‌توان گفت که مراد از معیشة ضنک، بدی حال در دنیا است، زیرا بسیاری از کافران در دنیا، معیشة راحت و گوارایی دارند، ولی بسیاری از مؤمنان در دنیا برخلاف آنها، زندگی سختی دارند. علامه طبرسی در مجمع البیان می‌گوید: «گفته شده که منظور از «معیشة ضنک» عذاب قبر است، و این تفسیر از ابن مسعود و ابوسعید خدری و ... نقل شده است». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۲۱۵)

سه. آیات ۸۸ و ۸۹ سوره واقعه:

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ * فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٌ.
اما اگر انسان از مقربان باشد در روح و ریحان (در نهایت آرامش و شادمانی) و در بهشت پر نعمت است.

امام صادق ﷺ در تفسیر این آیه می‌فرماید: منظور از «روح و ریحان»، آرامش و شادابی

در عالم قبر (برزخ) است، و مقصود از بهشت پرنعمت، بهشت آخرت (قیامت) می‌باشد.
(مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۲۱۷)

چهار. آیه ۶۲ سوره مریم:

وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا.

و هر صبح و شام روزی آنها (بندگان صالح) در بهشت مقرر است.

علی بن ابراهیم قمی با استفاده از روایات می‌گوید:

منظور از این بهشت، بهشت در عالم برزخ است که ارواح افراد با ایمان به آن انتقال می‌یابد، چراکه در بهشت جاودان آخرت، صبح و شام وجود ندارد. (قمی، ۱۳۶۷: ۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۲۱۸)

ب) سایر روایات

دسته دیگری از روایات که می‌توان از آنها وجود عالم برزخ را استنباط نمود عبارتند از:
یک. در حدیثی از پیامبر آمده است: «القبر اما روضه من ریاض الجنه او حفره من حفر النیران»، (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۲۱۴ و ۲۱۸) این حدیث در منابع شیعی با همین تعبیر از امیرمؤمنان (علیه السلام) و امام سجاد (علیه السلام) نیز نقل شده است. باید گفت مقصود از اینکه قبر باغی است از باغ‌های بهشت یا گودالی از آتش است، همان عالم برزخ است و این نکته‌ای است که از روایات مربوط به عالم برزخ می‌توان به‌دست آورد.
افزون بر این عبارت قبر باغی است از باغ‌های بهشت یا گودال آتش است حکایت از عذاب و نعمت الهی می‌کند و اینکه انسان پس از مردن یا از نعمت الهی برخوردار است یا در عذاب گرفتار خواهد بود جز با حیات برزخی معنا ندارد.
دو. پس از پایان یافتن جنگ بدر، به دستور پیامبر اجساد کشته شدگان را در چاهی ریختند پیامبر کنار چاه ایستاد و چنین فرمود:

ای اهل چاه آیا آنچه را خدا وعده داده بود دریافتید که حق است، من وعده پروردگارم را حق و قطعی یافتم. عده‌ای گفتند: ای رسول خدا، آیا آنان سخن

شما را می‌شنوند؟ فرمود: شما نسبت به آنچه می‌گوییم از آنان شنواتر نیستید و آنان بهتر از شما می‌شنوند ولی امروز نمی‌توانند پاسخ دهند. (همان: ۲۵۴)

سه. هنگام بازگشت امیرمؤمنان از جنگ صفین، آن حضرت کنار قبرستانی پشت دروازه کوفه ایستاد و خطاب به اهل قبور چنین فرمود:

ای ساکنان دیار وحشت و سرزمین خشک و سوزان، شما از ما زودتر به آن جهان رفتید و ما نیز به دنبال شما می‌آییم، [به شما بگوییم] که پس از شما خانه‌هایتان را دیگران ساکن شدند و همسران شما به ازدواج دیگران درآمدند و اموال شما تقسیم شد. این خبری است که نزد ما بود، شما از آنجا چه خبر دارید؟ سپس به یاران خویش فرمود: آگاه باشید اگر به آنان اجازه سخن گفتن داده می‌شد به شما خبر می‌دادند که بهترین زاد و توشه تقوی و پرهیزکاری است. (سید رضی، ۱۳۷۰: ح ۱۳۰)

این احادیث حکایت از آن دارد که انسان پس از مرگ، از حیات و زندگی برخوردار است و می‌تواند با این جهان ارتباط برقرار کند و احیاناً پاسخگو نیز باشد. البته گرفتن پاسخ آنان اختصاص به گروهی دارد که چشم برزخی آنان باز شده و توانایی دیدن آن حقایق را داشته باشند. چهار. امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «به خدا قسم من بر شما از عالم برزخ می‌ترسم».

(حویزی، ۱۴۱۵: ۵۵۳، ح ۱۲۰)

و نیز آن حضرت در حدیث دیگری فرمود:

عالم برزخ همان قبر است و آن بهره‌مندی از ثواب و عقاب مابین دنیا و آخرت است. (همان: ح ۱۲۲)

پنج. روایاتی که به گونه‌های مختلف از سؤال در قبر خبر می‌دهند و اینکه چه کسانی مورد سؤال قرار می‌گیرند و از چه چیزهایی سؤال می‌شود، حکایت از آن دارد که انسان پس از مرگ از حیات و زندگی برخوردار است. امام صادق علیه السلام فرمود:

لا یسئل فی القبر الا من محض الایمان محضا او محض الکفر محضا و الاخرون یلهون عنهم. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۲ / ۲۶۶)

تنها اشخاصی در قبر مورد سؤال قرار می‌گیرند که یا مؤمن محض یا کافر محض باشند و سایرین به حال خود رها می‌شوند.

یعنی پرسش و سؤال قبر از کسی است که در حیات دنیوی خویش برای رسیدن به حقیقت تلاش کرده است و به عقاید حقه نائل شده است و در تطبیق عمل خود با آن عقاید کوشیده هرچند در مقام عمل مرتکب خطا شده است و یا از کسی است که به حق توجه نکرده و با آنکه باید جانب حق را می‌گرفت در اثر هواهای نفسانی آن را نادیده گرفته و انکار نمود. ولی کسانی که اصطلاحاً از آنان به‌عنوان مستضعف فکری یاد می‌شود که در زندگی خویش از رشد لازم و مطلوب فکری برخوردار نبوده‌اند در قبر مورد سؤال و جواب قرار نمی‌گیرند و آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که امر آنان موکول به مشیت و اراده حضرت حق است.

در روایت دیگری امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «سؤال شدگان در قبر یا مؤمن محض و یا کافر محض هستند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۰؛ کلینی، ۱۳۸۸: ۳ / ۲۳۵) این احادیث و احادیثی از این قبیل فقط از این جنبه مورد توجه قرار گرفته‌اند که می‌تواند اصل وجود عالم برزخ را اثبات کند؛ چراکه سؤال و جواب و عذاب و نعمت و ... اثبات‌کننده وجود چنین جهانی است که اگر چنین عالمی وجود نداشته باشد موارد مذکور در منابع دینی بی‌معنا خواهد بود.

ویژگی‌های عالم برزخ

چنانکه گذشت در قرآن کریم نسبت به اصل وجود برزخ سخن به میان آمده است اما به ویژگی‌ها و جزئیات بیشتر در این باره اشاره نشده است از این‌رو می‌بایست خصوصیات و حقایق مربوط به آن عالم را در روایات معصومین علیهم السلام جستجو نمود. در اینجا با استفاده از روایات به بخشی از ویژگی‌ها و خصوصیات حیات برزخی اشاره می‌نماییم:

الف) سؤال قبر

براساس روایات متعدد «سؤال قبر» که یکی از ویژگی‌های عالم برزخ است، مربوط به کسانی

است که ایمان خالص یا کفر خالص دارند، ولی سایر مردم، سؤال قبر ندارند. (بنگرید به: کلینی، ۱۳۸۸: ۳ / ۲۳۵) اگرچه سایر مردم سؤال قبر ندارند اما حیات برزخی دارند چنانکه از روایات فهمیده می‌شود که فشار قبر به عموم مردم (جز اندکی از اولیای خدا) می‌رسد. ابوبکر حضرمی گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدیم: «چه کسانی در قبر از آنها سؤال می‌شود؟» امام علیه السلام در پاسخ فرمود: از کسانی که ایمان خالص یا کفر خالص دارند». (همان: ۲۳۷)

بعضی معتقدند که این روایات، با روایات بسیاری که در مورد سؤال قبر از عموم مردم نقل شده، تعارض دارد، از این رو گفته شده: منظور، سؤال خاص است که مخصوص مؤمن خالص و کافر خالص می‌باشد، و یا اینکه مثلاً در مورد اصل نماز، روزه، حج و ولایت از عموم مردم سؤال می‌شود؛ زیرا مستضعفین فکری و ناآگاهان در مورد جزئیات معذورند. (تویسرکانی، ۱۳۷۲: ۵ / ۳۱)

ب) سؤال فرشته نکیر و منکر

براساس روایات بسیار به هنگام مرگ انسان، دو فرشته که به نکیر و منکر نام بردار است به سراغ او می‌آیند و با طرح سؤالاتی به بازجویی از وی می‌پردازند. در حقیقت با حضور این دو فرشته نخستین دادگاه انسان، بعد از مرگ آغاز می‌گردد.

چگونگی برخورد آنها با انسان براساس میزان ایمان و انحراف او است، چنانکه ابوبصیر از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا این دو فرشته بر مؤمن و کافر، به یک صورت، وارد می‌شوند؟ امام علیه السلام فرمود: نه. (کلینی، ۱۳۸۸: ۳ / ۲۳۹)

بنابراین پاسخ به سؤالات نکیر و منکر بر اساس روحیه و باطنی است که در دنیا داشته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

ان القبر اول منازل الاخره، فان نجا منه، فما بعده ایسر منه، و ان لم ینج منه فما بعده لیس اقل منه. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۲۴۲)

قبر نخستین منزل، از منازل آخرت است، اگر انسان در این منزل نجات یافت، راه نجات در منزل‌های بعدی آسان‌تر است، و اگر از این منزل نجات نیافت، راه نجات در منزل‌های بعدی، کمتر و سهل‌تر از آن نیست.

در اینکه چه چیزهایی مورد پرسش قرار می‌گیرد روایات مختلف است. از محتوای روایات چنین برمی‌آید که برخی پرسش‌ها نظیر پرسش‌هایی درباره اصول عقاید، کیفیت گذراندن عمر، چگونگی کسب درآمد و امثال آن حتمی است. به‌عنوان نمونه امام سجاده علیه السلام می‌فرماید:

الا و انّ اوّل ما یسألانک عن ربّک الذی کنت تعبده و عن نبیک الذی ارسل الیک و عن دینک الذی کنت تدین به و عن کتابک الذی کنت تتلوه ... (همان: ۲۲۳)

آگاه باش اول چیزی که آن دو فرشته می‌پرسند از خدایی است که او را عبادت می‌کردی و پیامبری که به سوی تو فرستاده شد و دینی که بدان پایبند بودی و کتابی که آن را تلاوت می‌کردی.

(ج) فشار قبر

یکی از ویژگی‌های عالم برزخ «فشار قبر» است اما اینکه حقیقت فشار قبر چیست؟ آیا روح انسان تحت فشار قرار می‌گیرد؟ یا قالب مثالی؛ یعنی روح و جسم لطیف او (شبیه عالم خواب)؟ یا این که روح با همین جسد دنیوی رابطه برقرار کرده و خود را در فشار می‌نگرد؛ بعضی از روایات بیانگر دیدگاه سوم است، چنانکه محمدباقر مجلسی می‌نویسد:

و انما السؤال و الضغطة فی الاجساد الاصلیه و قد یرتفعان عن بعض المؤمنین. (همان: ۲۷۰)

همانا سؤال قبر، و فشار قبر در جسدهای اصلی صورت می‌گیرد، و این دو برای بعضی از مؤمنین برداشته می‌شود.

بنابراین آنچه قطعی است وجود اصل «فشار قبر» است. این فشار قبر نسبت به افراد از نظر مدت، چگونگی، شدت و ضعف تفاوت دارد، برای عده‌ای شدید و برای برخی دیگر ملایم‌تر است. در برخی از روایات فشار قبر به‌عنوان کفاره گناهان قلمداد شده است چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هنگام دفن سعد بن معاذ فرمود: «هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه در قبر فشاری دارد». (همان: ۲۶، ح ۱۶ و ۱۹)

(د) رابطه ارواح برزخی با دنیا

یکی از ویژگی‌های حیات برزخی، ارتباط مردگان با دنیای مادی است. در روایات بسیاری آمده است که پس از مرگ رابطه انسان با دنیا به‌طور کلی قطع نمی‌شود بلکه انسان کم‌وبیش از وضع این جهان آگاه است و می‌تواند با آن ارتباط برقرار نماید تا آنجا که در منابع حدیثی بخشی با عنوان «ان المیت یزور اهل» آمده است. در روایات اسلامی این نکته یادآوری شده است که افراد مختلف با ایمان و بی‌ایمان گاهی به دیدار اهل خویش می‌آیند چنانکه در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

ان المؤمن لیزور اهلہ فیری ما یحبّ و یستر عنه ما یرکھ، و ان الکافر لیزور اهلہ فیری ما یرکھ و یستر عنه ما یحبّ. (کلینی، ۱۳۸۸: ۳ / ۳۳۰)

مؤمن اهل خویش را زیارت می‌کند و آنچه او را خشنود می‌کند از آنان می‌بیند، ولی ناخوشایندی‌ها از دید او پنهان نگاه داشته می‌شود و کافر به‌عکس تنها بدی‌ها و ناخشنودی‌ها را می‌نگرد و خوشی‌ها را نمی‌بیند. (و غمگین می‌شود)

نتیجه اینکه: ارتباط ارواح در عالم برزخ با عالم دنیا به‌قدری است که آن ارواح، از آثار اعمال که در دنیا انجام داده‌اند و یا از کار خیری که دیگران به نیت آنان انجام می‌دهند بهره‌مند می‌گردند. آنچه که موجب نجات انسان در عالم برزخ است اعمال نیک اوست که در دنیا به‌جا آورده یا دیگران در حق آنان انجام داده‌اند؛ چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید:

همانا هر مسلمانی، دارای سه دوست است یکی از آنها می‌گوید: من تا هنگام مرگ با تو هستم و آن مال او است؛ و یکی از آنها می‌گوید: من تا کنار قبر، دوست تو هستم و آن «فرزند او» هستند. ولی یکی از آنها می‌گوید: «انا معک حیا و میتا»، من در زندگی و مرگ، همواره همراه تو هستم و آن عمل او است. (صدوق، ۱۳۶۱: ۲۳۲)

و نیز امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

شش چیز است که مؤمن پس از مرگ از آن بهره‌مند می‌شود: فرزند شایسته‌ای

که برای او استغفار کند؛ قرآنی که مردم آن را بخوانند؛ چاه آبی که حفر نموده و از آن استفاده می‌شود؛ درختی که نشانه و آب جاری که در اختیار مردم بگذارد و سنت نیکی که بعداً به آن عمل شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۲۹۳)

ناگفته نماند: همان‌گونه که انسان در عالم برزخ از اعمال نیک خود بهره‌مند می‌شود از آثار اعمال ناشایست خود نیز در این عالم رنج خواهد کشید. چنانکه رسول اکرم ﷺ در حدیثی فرمود:

و من سنّ سنّه سیئه فیعمل بها بعده کان علیه وزره و مثل اوزارهم من غیر ان ینقص من اوزارهم شیئاً. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۲۹۳)

و کسی که سنت بدی، پدید آورد و پس از مرگش به آن سنت بد، عمل شود، اثر آن سنت و آثار بد عمل‌کنندگان به آن سنت، به او می‌رسد بی‌آنکه از آثار بد عمل‌کنندگان، چیزی از آنان کاسته شود.

بهره‌مندی انسان از دعای خیر دیگران، داشتن فرزندان شایسته و خلف صالح، برخورداری انسان در عالم برزخ از آثار سوء یا آثار خیر سنت‌های به‌جا مانده و مانند آن همگی دلیل بر وجود عالم برزخ و حیات برزخی است و این‌گونه روایات به‌طور گسترده در منابع روایی فریقین آمده است.

ه) پاداش‌های اهدایی در برزخ

باید توجه داشت که انجام کارهای نیک مانند: حج، صدقه، روزه و ... به نیابت از میت، پاداش و بهره‌مندی از آن، در عالم برزخ برای میت خواهد بود.

احادیث فراوانی وجود دارد که ارواح مؤمنان به‌واسطه هدایایی که از طرف خویشان و دوستان برای آنها فرستاده می‌شود، خشنود می‌گردند.

چنانکه از امام صادق ﷺ می‌فرماید:

ان المیت لیفرح بالترحم علیه و الاستغفار له کما یفرح الحی بالهدیه. (فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۸ / ۲۹۲)

میت با طلب رحمت و استغفار برای او خوشحال می‌شود، چنانکه انسان زنده به‌واسطه هدیه خشنود می‌گردد.

و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز روایتی به همین مضمون آمده است:

ان هدايا الاحياء للاموات الدعاء و الاستغفار. (همان: ۲۹۱)
همانا هدیه زندگان به مردگان دعا و استغفار است.

همچنین امام رضا علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

ما من عبد زار قبر مؤمن فقره عليه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» سبع مرات إلا غفر الله له و لصاحب القبر. (همان: ۲۹۰)
هیچ مؤمنی نیست که به زیارت قبر مؤمنی برود و سوره انا انزلناه را هفت‌بار قرائت کند، مگر اینکه خدا او و صاحب قبر را می‌آمرزد.

(و) تکامل در برزخ

درباره فلسفه وجود عالم برزخ و ضرورت آن چند نکته وجود دارد:
یک. انسان تا دوران تکامل عالم برزخ را سپری نکند، ورود به عالم دیگر برای او میسر نمی‌شود. آدمی برای نیل به بهشت و جهنم ابدی باید شرایط برزخی را بگذراند تا در سایه تکامل ذاتی و جوهری، جسم و روح مناسب با ابدیت را احراز نماید.
دو. یکی از فواید عالم برزخ فرصت جبران برخی از اعمال است. اگر کسی دینی برعهده دارد می‌تواند با وصیت و انجام آن ازسوی وارثان از خود رفع عقاب نماید.
سه. از روایات استفاده می‌شود که در عالم برزخ بخشی از کمبودهای معرفتی انسان‌های مؤمن جبران می‌گردد. درست است که در عالم برزخ جای عمل صالح نیست ولی می‌تواند محل معرفت بیشتر باشد. چنانکه امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید:

من مات من اوليائنا و شيعتنا و لم يحسن القرآن علم في قبره ليرفع الله به من درجته، فان درجات الجنة علي قدر آيات القرآن، يقال له اقرء و ارق، فيقرء ثم يرقى. (کلینی، ۱۳۸۸: ۲ / ۶۰۶)

هر کس از دوستان و پیروان ما بمیرد و هنوز قرآن را به‌طور کامل فرانگرفته باشد، در قبرش به او تعلیم می‌دهند تا خداوند بدین‌وسیله درجاتش را بالا برد؛

چراکه درجات بهشت به اندازه آیات قرآن است، به او گفته می‌شود. بخوان و بالا رو، او می‌خواند و بالا می‌رود.

نتیجه اینکه: هر چند در عالم برزخ توانایی بر خطا و ثواب وجود ندارد و آنجا دیگر عالم تکلیف نیست، اما براساس برخی از روایات، انسان پس از مرگ نیز می‌تواند به واسطه داشتن سرمایه‌هایی از دنیا تغذیه شود و به تکامل و رشد برسد. یکی از این سرمایه‌ها سنت حسنه و پی‌ریزی سیره نیک در جامعه است، چنانکه امام حسین علیه السلام از نبی اکرم صلی الله علیه و آله روایت فرموده است:

هر کس سیره و روش خوبی را در جامعه بنیان نهد، اجر آن سیره و اجر کسانی که تا قیامت به آن سیره عمل می‌کنند برای او خواهد بود، بدون آنکه از اجر عاملین به آن چیزی کاسته شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۳ و ۲۹۴)

همان‌گونه که اثر سنت حسنه باقی است اثر سیره سیئه نیز ممتد و دامنه‌دار است. براساس روایات کسی که سنت بدی را در جامعه بنیان نهد و دیگران از او پیروی کنند هر بار که آن سیره مورد عمل واقع شود برای بنیانگذار آن سیره گناه تازه‌ای ثبت می‌شود، چنانکه امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

هر بنده‌ای از بندگان خدا روش گمراه کننده‌ای را بین مردم ایجاد کند برای او گناهی همانند گناه کسانی است که مرتکب آن عمل شده‌اند بدون آنکه از گناه عمل‌کنندگان به آن کاسته شود. (همان: ۲ / ۲۴)

بنابراین یکی از تفاوت‌های عالم برزخ و قیامت در این است که پرونده انسان در عالم برزخ تغییر می‌کند اما در عالم آخرت تغییرناپذیر است.

ز) آگاهی و درک انسان در برزخ

از متون دینی استفاده می‌شود که با فرا رسیدن مرگ نه تنها شعاع دید و درک انسان کمتر نمی‌شود، بلکه بر وسعت آن افزوده می‌گردد. چنانکه امام علی علیه السلام فرمودند: «مردم خوابند همین که می‌میرند بیدار می‌شوند.» (فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۷ / ۴۲) این فرمایش امام را به دو گونه می‌توان معنا کرد:

یک. منظور این است که در دنیا چیزهایی است که انسان از آنها غافل است و پس از مرگ متوجه آنها می‌شود و این عبارت کنایه از هوشیاری بعد از غفلت است. دو. معنای دیگر که استاد مطهری بیشتر بر آن تکیه دارد این است که درجه حیات بعد از مردن از پیش از مردن کامل‌تر و بالاتر است. همان‌طور که انسان در حال خواب از درجه درک و احساس ضعیفی برخوردار است و حالتی نیمه زنده و نیمه مرده دارد و هنگام بیداری آن حیات کامل‌تر می‌شود، همچنین حالت حیات انسان در دنیا نسبت به حیات برزخی درجه‌ای ضعیف‌تر است و با انتقال انسان به عالم برزخ کامل‌تر می‌شود. (مطهری، ۱۳۶۴: ۲ / ۵۲۳)

ح) تمثیل اعمال در برزخ

براساس روایات، اعمال هر انسان از لحظه مرگ؛ یعنی در مراحل ابتدایی عالم برزخ، تمثیل و تجسم می‌یابد و صاحب قبر با چشم برزخی آن را می‌بیند و تا زمان برپایی قیامت با او خواهد بود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

وقتی شخص با ایمان را در قبرش می‌گذارند دری به رویش گشوده می‌شود و جایگاه خود را در بهشت می‌بیند. از آن دری که به عالم غیب گشوده شده صورتی زیبا خارج می‌شود و شخص با ایمان به او می‌گوید: «تو کیستی؟» که من از تو زیباتر ندیده‌ام و تا قیامت با تو هستم و از تو جدا نمی‌شوم. هنگامی که شخص کافر را در قبرش می‌گذارند دری به رویش گشوده می‌شود و جایگاه خود را در آتش می‌بیند. سپس از آن درب صورتی زشت و کریه خارج می‌شود و شخص کافر به او می‌گوید: تو کیستی که من صورتی از تو قبیح‌تر ندیده‌ام؟ پاسخ می‌دهد: من عمل بد تو هستم که در دنیا انجام می‌دادی و نیت ناپاک تو هستم که در دل داشتی و تا قیامت با تو هستم و از تو جدا نمی‌شوم. (کلینی، ۱۳۸۸: ۳ / ۲۴۲ - ۲۴۱)

همچنین امام صادق علیه السلام در حدیثی دیگری می‌فرماید:

هنگامی که جنازه انسان مؤمن را در میان قبر می‌گذارند نماز او در جانب راست و زکات او در جانب چپ او می‌ایستد، و احسان او، بر او سایه می‌افکند و صبر و استقامت او در نقطه‌ای دورتر از آنها قرار می‌گیرد، آنگاه صبر به نماز و زکات و

احسان می‌گوید: «مواظب رفیق خود باشید، اگر (در نجات او) درمانده شدید، من حاضرم». (همان: ۲ / ۹۰)

ط) شفاعت در برزخ

مطابق روایات، شفاعت اولیای خدا در عالم برزخ محدود است و ممکن است شفاعتی در کار نباشد. امام صادق علیه السلام در ضمن گفتاری به یکی از شیعیان فرمود:

اما في القيامة فكلکم في الجنة بشفاعه النبي المطاع، او وصي النبي، و لکني و الله اتخوف علیکم في البرزخ. (همان: ۳ / ۲۴۲)

اما در قیامت همه شما با شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله که شفاعتش پذیرفته می‌شود یا با شفاعت وصی پیامبر علیه السلام، در بهشت هستید، ولی سوگند به خدا در مورد عالم برزخ در رابطه با شما ترس دارم.

بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که موضوع شفاعت در عالم برزخ منتفی است و انسان با عمل خود دست به گریبان است و نتیجه عمل خوب یا بد خود را می‌بیند.

اما مطابق برخی از روایات و حکایات مانند حکایت سید حمیری، شاعر حماسه سرای اهل بیت علیهم السلام در هنگام مرگ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۱۷۹) برخی از مؤمنین مورد الطاف خاص و نجات بخش پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام واقع می‌شوند، که می‌توان این الطاف خاص را به عنوان شفاعت آنها یاد نمود در این صورت این سؤال مطرح می‌شود که این دوگانگی روایات چگونه قابل توجیه است؟ پاسخ آنکه: در عالم برزخ شفاعت به طور عموم، برای همه نیست ولی شفاعت برای افراد خاص که در دنیا بر اثر تلاش‌های صادقانه توانستند گناهان خود را جبران کنند، باقی خواهد بود. بنابراین، آن روایاتی که شفاعت در عالم برزخ را نفی می‌کند، منظور شفاعت عمومی همانند شفاعت روز قیامت است و آن روایاتی که الطاف خاص و نجات‌دهنده اولیای خدا را در عالم برزخ، ثابت می‌نماید، منظور شفاعت آنها در مورد افراد خاص و برجسته است و محدود به حد ویژه‌ای می‌باشد.

ی) جایگاه ارواح مؤمنان و مشرکان در برزخ

در اینکه همه انسان‌ها با مرگ وارد عالم برزخ می‌شوند و یا اینکه عالم برزخ شبیه عالم ماده

است اما آثار و عوارض آن را ندارد، شکی وجود ندارد. اما درباره وجود جایگاه خاص برای ارواح مؤمنان، مشرکان، خوبان و بدان روایات مختلف است:

در روایات آمده است که ارواح مؤمنان در وادی السلام نجف دور یکدیگر جمع می‌شوند؛ (کلینی، ۱۳۸۸: ۳ / ۲۴۳) یعنی وادی امن و امنیت که ظهور آن وادی در این دنیا در سرزمین نجف اشرف است که وادی ولایت الهی است. و نیز امام صادق علیه السلام در حدیثی دیگر فرموده است:

هنگامی که مؤمن از دنیا می‌رود، به او گفته می‌شود از غم‌های دنیا خلاص شدی، و هم اکنون رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در پیش روی تو هستند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۱۸۴)

در مورد ارواح کفار و مشرکان و گناهکارانی که قابل عفو و بخشش نیستند نیز آمده است که ارواح آنان در «وادی برهوت» یمن خواهند بود. چنانکه امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

ارواح کفار پس از مرگشان در وادی برهوت گردهم می‌آیند که آن وادی انواع شکنجه و عذاب‌ها را در خود دارد. (همان: ۲۷۹)

و نیز آن حضرت می‌فرماید:

اگر آنچه مردگان پس از مرگ، مشاهده کرده‌اند شما هم می‌دیدید، وحشت می‌کردید و می‌ترسیدید و (سخنان حق را) می‌شنیدید و اطاعت می‌کردید، ولی آنچه آنها دیدند، از شما پوشیده است، اما به‌زودی پرده‌ها کنار می‌رود (و شما نیز مشاهده خواهید کرد). (سید رضی، ۱۳۷۰: خ ۲۰)

عبارت «اگر آنچه مردگان پس از مرگ مشاهده کرده‌اند» بیانگر آن است که هنگام مرگ، پرده از پیش چشم انسان به کنار می‌رود و او حقایق را به‌روشنی می‌نگرد. ابن ابی‌الحدید معتزلی شارح نهج‌البلاغه می‌گوید: «ممکن است مقصود این باشد که همه هنگام مرگ، امام علی علیه السلام را می‌بینند.» وی سپس با ذکر اشعاری که مضمون آن را امام علی علیه السلام به حارث همدانی فرموده، می‌گوید:

یا حار همدان من یمت یرنی من مؤمن او منافق قبلا
يعرفنی طرفه و اعرفه بعینه و اسمہ و ما فعلا
(ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۸: ۱ / ۲۹۹)

ک) جایگاه متوسطین و مستضعفین در برزخ

در برخی از روایات به سرنوشت مبهم این افراد تصریح شده که به طور قطع مقصود از آن بیان احوال آنان در قیامت نیست؛ زیرا در آخرت وضعیت همگان روشن می شود اما در شرایط برزخی که هنوز محاکمه نشده اند آینده آنها روشن نیست. در میان انسان ها گروهی هستند که به مجرد مرگ به حساب آنها رسیدگی نمی شود بلکه حساب آنان تا قیامت به تأخیر می افتد و منوط به امر خدا می گردد که آنان را عذاب کند و یا اینکه گناه آنان را ببامرزد. قرآن کریم از این گروه به عنوان مرجون لامر الله (توبه / ۱۰۶) و مستضعفین (نساء / ۹۷) یاد کرده است.

ل) جایگاه شهدا در برزخ

چنانکه قبلاً نیز گذشت از آیات زیادی می توان حیات و زندگانی شهیدان راه خدا را در عالم برزخ به دست آورد؛ چنانکه می فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» شهدا در عالم برزخ زنده اند و به مقام «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» نائل آمده اند. قرآن در آیه ای دیگر درباره خشنودی شهدا می فرماید:

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ
أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (آل عمران / ۱۷۰)

آنها به آنچه خداوند از فضل خود داده است خشنودند و نسبت به کسانی که به آنها ملحق نشده اند نیز بشارت می دهند که هیچ ترس و اندوهی بر آنها نیست.

این آیه شریفه افزون بر حیات برزخی شهیدان به روزی معنوی و ملکوتی آنان تصریح نموده است. از این آیه رابطه میان شهدا و بازماندگان آنها در دنیا نیز فهمیده می شود و شهدا و مؤمنین از این نظر مورد رضایت پروردگار قرار می گیرند که در ارتباط با دنیا و بازماندگان، از بدی های آنان مطلع نمی شوند بلکه خوبی های آنان را می بینند.

حیات برزخی پیامبر و امام

فرقه وهابیت که به جمود فکری معروف و از عمق مسائل بی اطلاع اند با تکیه به ظاهر برخی

از آیات قرآن و بدون بررسی و در نظر گرفتن آیات دیگر بر نفی هرگونه علم و حیات و آگاهی پس از مرگ حتی از پیامبر ﷺ اصرار دارند. یکی از دلایل آنها برای نفی توسل همین ادعاست. آنها معتقدند که رابطه پیامبر ﷺ با مردن به‌طور کلی با دنیا قطع می‌شود. آنان به آیاتی از قرآن نظیر آیه شریفه: «مَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ» (فاطر / ۲۲) یعنی تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنها که در قبرها خفته‌اند برسانی. و یا آیه شریفه: «فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى» (روم / ۵۲) تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش مردگان برسانی. استناد کرده و چنین استنباط کرده‌اند که مردگان حتی پیامبر مطلقاً چیزی نمی‌فهمند درحالی‌که به آیات بیانگر وجود حیات برزخی برای همه انسان‌ها توجهی نکرده‌اند.

پیامبران مانند سایر انسان‌ها از حیات برزخی برخوردارند و آیات مورد بحث نشان از عدم درک مردگان به‌طور طبیعی و عادی و قطع ارتباط انسان در جهان برزخ با عالم دنیا دارد جز در مواردی که خداوند به برقراری ارتباط فرمان دهد. از این‌رو ما در شرایط عادی نمی‌توانیم با مردگان ارتباط برقرار کنیم. به این جهت است که پیامبر ﷺ در جنگ بدر دستور داد اجساد کفار در چاهی افکنده شود آنگاه آنها را صدا زد و فرمود: آیا شما آنچه را که خدا و رسولش وعده داده بود به حق یافتید؟ من که آنچه را خداوند به من وعده داده بود به حق یافتم. در اینجا خلیفه دوم اعتراض کرد و گفت: ای رسول خدا، چگونه با اجساد که روح در آنها نیست، سخن می‌گویی؟ پیامبر ﷺ فرمود: شما سخنان مرا از آنها بهتر نمی‌شنوید چیزی که هست آنها توانایی پاسخگویی را ندارند. (بنگرید به: بخاری، ۱۴۱۱، ۵ / ۷۶ - ۶۶)

امام علی علیه السلام نیز هنگامی که از صفین برمی‌گشت در کنار قبرستانی که پشت دیوار شهر کوفه قرار داشت ایستاد و آنها را مخاطب ساخته سخنانی در ناپایداری دنیا به آنها فرمود. سپس افزود: این خبری است که نزد ماست، نزد شما چه خبر است؟ آن حضرت در ادامه فرمود: اگر به آنها اجازه سخن گفتن داده شود به شما خبر می‌دهند که بهترین زاد و توشه آخرت تقوی است. (سید رضی، ۱۳۷۰: ح ۱۳۰)

آنچه بیان شد دلیل بر این است که مردگان سخنان را می‌شنوند و قادر بر پاسخگویی هستند اما اجازه پاسخگویی ندارند. دلیل دیگر بر شنوایی آنان تلقین «لا اله الا الله» به

مردگان است، چنانکه در روایات آمده است: «مردگان خود را تلقین لاله الا الله کنید». (مسلم بن حجاج، ۱۴۰۷: ۲ / ۶۳۱)

از سوی دیگر پیامبر ﷺ و اولیای الهی با دیگران متفاوتند، آنها همانند شهدا بلکه در صف مقدم بر آنان قرار دارند و زندگان جاویدند و از روزی پروردگار بهره می‌گیرند و به فرمان خداوند ارتباط خود را با این جهان حفظ می‌کنند. همان‌گونه که در این جهان توانایی برقراری ارتباط با مردگان را داشته‌اند.

از این رو در روایات فراوانی که در منابع روایی فریقین آمده است، نقل شده که پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام سخن کسانی را که از دور و نزدیک به آنها سلام می‌فرستند، می‌شنوند و به آنها پاسخ می‌گویند و حتی اعمال امت بر آنها عرضه می‌گردد. انس بن مالک از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که فرمود: انبیا در قبرهایشان زنده و نماز گزارند. (منای، بی‌تا: ۳ / ۱۸۴)

نکته دیگر این است که ما در تشهد نماز بر پیامبر ﷺ سلام می‌فرستیم و این اعتقاد مورد عمل همه مسلمین است. از این رو چگونه ممکن است او را به چیزی که هرگز آن را نمی‌شنود مخاطب سازیم و دلیلی بر حمل این حقیقت بر مجاز وجود ندارد.

۱. استمرار حیات پس از انتقال از دنیا

از آیات قرآن به روشنی استفاده می‌شود که مرگ انسان پایان حیاتش نیست بلکه انتقال از حیاتی به حیات دیگر است. انسان با مرگ وارد عالم جدیدی می‌شود که عالی‌تر و گسترده‌تر از عالم مادی است؛ چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. (زمر / ۴۲)

خداست که وقت مرگ ارواح خلق را می‌گیرد و آن را که هنوز وقت مرگش فرانسیده در حال خواب روحش را قبض می‌کند سپس آن را که حکم به مرگش کرده جانش را نگه می‌دارد و آن را که حکم به مرگ نکرده به بدنش می‌فرستد تا وقت معین و این کار نیز ادله قدرت الهی برای اندیشمندان است.

همچنین آیه ۱۶۹ سوره آل عمران بر استمرار حیات در عالم برزخ دلالت دارد. از آیات دیگر نیز استفاده می‌شود که این حیات برزخی به شهدا اختصاص ندارد، بلکه شامل تمام افراد صالح و مؤمنان مطیع نیز می‌شود، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

وَمَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا. (نساء / ۶۹)

آنان که خدا و رسول را اطاعت کنند، البته با کسانی که خدا به آنان لطف و عنایت کامل فرمود یعنی با پیامبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران محشور خواهند شد و اینان رفیقان نیکویی هستند.

۲. وجود ارتباط میان حیات برزخی و حیات مادی

از مجموع آیات و روایات استفاده می‌شود که میان حیات برزخی و مادی و انسان‌های عالم برزخ و دنیا ارتباط برقرار است، بدین معنا که انسان‌ها هنگامی که در عالم مادی آنها را صدا می‌زنند، می‌شنوند و هنگامی که از آنان سؤال و درخواست می‌کنند به اذن خداوند متعال جواب می‌دهند. در ادامه به برخی از این آیات و روایات اشاره می‌شود:

الف) آیات

خداوند متعال درباره قوم صالح می‌فرماید:

فَأَخَذْتُهُمُ الرِّجْفَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ * فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ. (اعراف / ۷۹ - ۷۸)

پس زلزله‌ای بر آنان آغاز گردید تا آنکه همه در خانه‌هایشان از پای در آمدند. چون علائم عذاب رسید صالح از ایمان قوم ناامید شد و از آن روی گردانید و گفت: ای قوم من از خدای خود ابلاغ رسالت کردم و شما را اندرز دادم و لکن شما ناصحان را دوست نمی‌دارید.

درباره قوم شعیب نیز این گفتگو آمده است. در قرآن آمده است:

وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ. (زخرف / ۴۵)

از رسولانی که پیش از تو فرستادیم باز پرس که آیا ما جز خدای یکتای مهربان خدای دیگری را هم معبود مردم قرار دادیم.

همچنین در آیاتی بر انبیای گذشته سلام فرستاده شده است: «سلام علی نوح فی العالمین، سلام علی ابراهیم، سلام علی موسی و هارون، سلام علی آل یاسین، سلام علی المرسلین». از این آیات به خوبی دانسته می شود که میان عالم مادی و عالم برزخ ارتباط برقرار است.

ب) روایات

پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

هر مسلمانی بر قبر برادر مؤمنش عبور کند، درحالی که او را در دنیا می شناخته و از او سؤال کند، خداوند روحش را برمی انگیزد تا جواب او را بدهد. (ابن قیم جوزیه، بی تا: ۹)

بیهقی از سعید بن مسیب نقل می کند: ما با علی بن ابی طالب علیه السلام به قبرستان مدینه وارد شدیم، حضرت علیه السلام ندا داد: ای اهل قبرستان! سلام و رحمت خدا بر شما باد، آیا از خبرهای خود بر ما می گوئید یا ما شما را خبر دهیم؟

سعید می گوید: صدایی شنیدیم که در جواب گفت: «و علیکم السلام و رحمة الله و برکاته یا امیرالمؤمنین» خبر ده ما را از آنچه اتفاق افتاد. علی علیه السلام فرمود: اما زنان شما به همسری دیگران در آمدند، اموال شما تقسیم شده و اولاد شما نیز در زمره یتام در آمدند. ساختمان هایی که بنا کردید دشمنانتان در آنها ساکن شدند. این خبرهایی است که نزد ماست، خبرهایی که نزد شماست چیست؟

سعید می گوید: مرده ای به صدا در آمد و گفت: هر آینه کفن ها پاره شد، موها ریخت، پوست ها از بدن جدا شد، حذقه ها بر صورت ها ریخت و از بینی ها چرک بیرون آمد. آنچه را فرستاده بودیم یافتیم، و آنچه را به جا گذاردیم خسارت دیدیم. (موسی محمد علی، ۱۴۰۵: ۸)

نتیجه

یکی از مهم ترین آموزه های دینی، حیات برزخی یا جهان پس از مرگ و مراحل مربوط به آن

است. از دیدگاه دین مرگ پایان زندگی نیست؛ بلکه آغاز مهم‌ترین حوادث و رویدادهاست. بر این اساس بررسی عالم برزخ و اثبات آن از نظر عقل و برهان و آیات و روایات در خور دقت و تأمل است.

در این مقاله با استفاده از آیات و روایات به بررسی اجمالی عالم برزخ و حقایق و ویژگی‌های آن مانند: تکامل، تمثل، شفاعت و ارتباط ارواح با دنیا پرداخته شد.

منابع و مأخذ

۱. ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۸ ق، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲. ابن‌فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، مقاییس‌اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن‌قیم جوزیه، محمد بن ابی‌بکر، بی‌تا، الروح فی الکلام علی ارواح الاموات و الاحیاء، بیروت، دار الفکر العربی.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۱۱ ق، صحیح بخاری، بیروت، دار الفکر.
۵. تویسرکانی، محمد نبی بن احمد، ۱۳۷۲، لثالی الاخبار، قم، علامه.
۶. حویزی، علی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۷. سید رضی، ۱۳۷۰، نهج‌البلاغه، ترجمه مصطفی رحیمی‌نیا، تهران، انتشارات اسلامی.
۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۶۱، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین.
۹. طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۸ ق، مجمع‌البیان، بیروت، دار المعرفه.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۳، التبیان فی تفسیر القرآن، نجف، مکتبه الامین.
۱۲. طوسی، نصیرالدین، ۱۳۵۳ ق، تجرید الاعتقاد، صیدا، مطبعه العرفان.
۱۳. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۳۸۷، محجه البیضاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، تفسیر قمی، قم، دار الکتب.

۱۵. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ ق، کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۷. محمدی اشتهااردی، محمد، ۱۳۷۳، عالم برزخ در چند قدمی ما، قم، مؤسسه انتشارات نبوی.
۱۸. مسلم بن حجاج، ۱۴۰۷ ق، صحیح مسلم، بیروت، دار الکتب العربی.
۱۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۴، مجموعه آثار، قم، انتشارات اسلامی.
۲۰. موسی، محمد علی، ۱۴۰۵ ق، حقیقه التوسل و الوسيله، بیروت، عالم الکتب.

